



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا فَتْحُ الْأَبْوَابِ ١٣٠٥



سلام

با تبریک سال و قرن جدید به شما عزیزان از خداوند سپاسگزاریم که:
در اسفند سال ۱۳۰۰ انگلیس جنایتکار، برای ما « حاکم » تعیین می کرد،
اما به برکت « انقلاب با شکوه اسلامی » و « رهبر فرزانه » ما،
در اسفند ۱۴۰۰ وادار شد بدهی ۵۰۰ میلیون دلاریش را به ایران بپردازد.
و أخيراً یکی از سناتورهای شیطان بزرگ آمریکا هم با عصبانیت گفت:
ایرانی ها ما را به اتاق مذاکره راه نمی دهند،

و ما باید از **سوراخ در به آنچه در اتاق مذاکرات می گذرد نگاه کنیم!**
امیدواریم قبل از صد سال بعد، « **پرچم حق و عدالت و امنیت** »،
با مقاومت مؤمنانه مردم، بر قله جهان در اهتزاز باشد. **إن شاء الله تعالی**

ما برای بوسیدن خاک سر قله‌ها،

چه خطر‌ها کرده‌ایم،

ما برای آنکه ایران گوهری تابان شود،

خون دل‌ها خورده‌ایم،

ما برای آنکه ایران خانه خوبان شود،

رنج دوران برده‌ایم، ...

رنج دوران، «تکیه بر نظامی» است مبتنی بر عقلانیت و ایمان،

و متکی بر مردمی آگاه و عاقل و وفادار و مقاوم و صبور،

که نمی‌خواهند ظالم و مظلوم باشند و در بیراهه‌ها عمرشان را تلف کنند.



« اعتماد » چرا و چگونه؟

جلسه ششم – ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

پرسش ۱:



« **فرق** » انسان

با « **جماد و گیاه و حیوان** »

از نظر « **سرانجام** » چیست؟

هر «جماد» و «گیاه» و «حیوانی»،

«جماد» و «گیاه» و «حیوان»،

به «دنیا» می‌آید،

و «جماد» و «گیاه» و «حیوان» هم،

از «دنیا» می‌رود.

اما « **انسان** »،

در دنیائی پُر از: « **مزاحمت** » و « **اصطکاک** »،

و پُر از « **جاذبه** » و « **زلزله** » و « **مصیبت** »،

ممکن است « **هر لحظه** » و با « **هر حادثه‌ای** »،

به مراتب پایین‌تر از انسانیت، « **سقوط** » کند ...

پرسی ۲:



تنها « مانع سقوط انسان » چیست؟

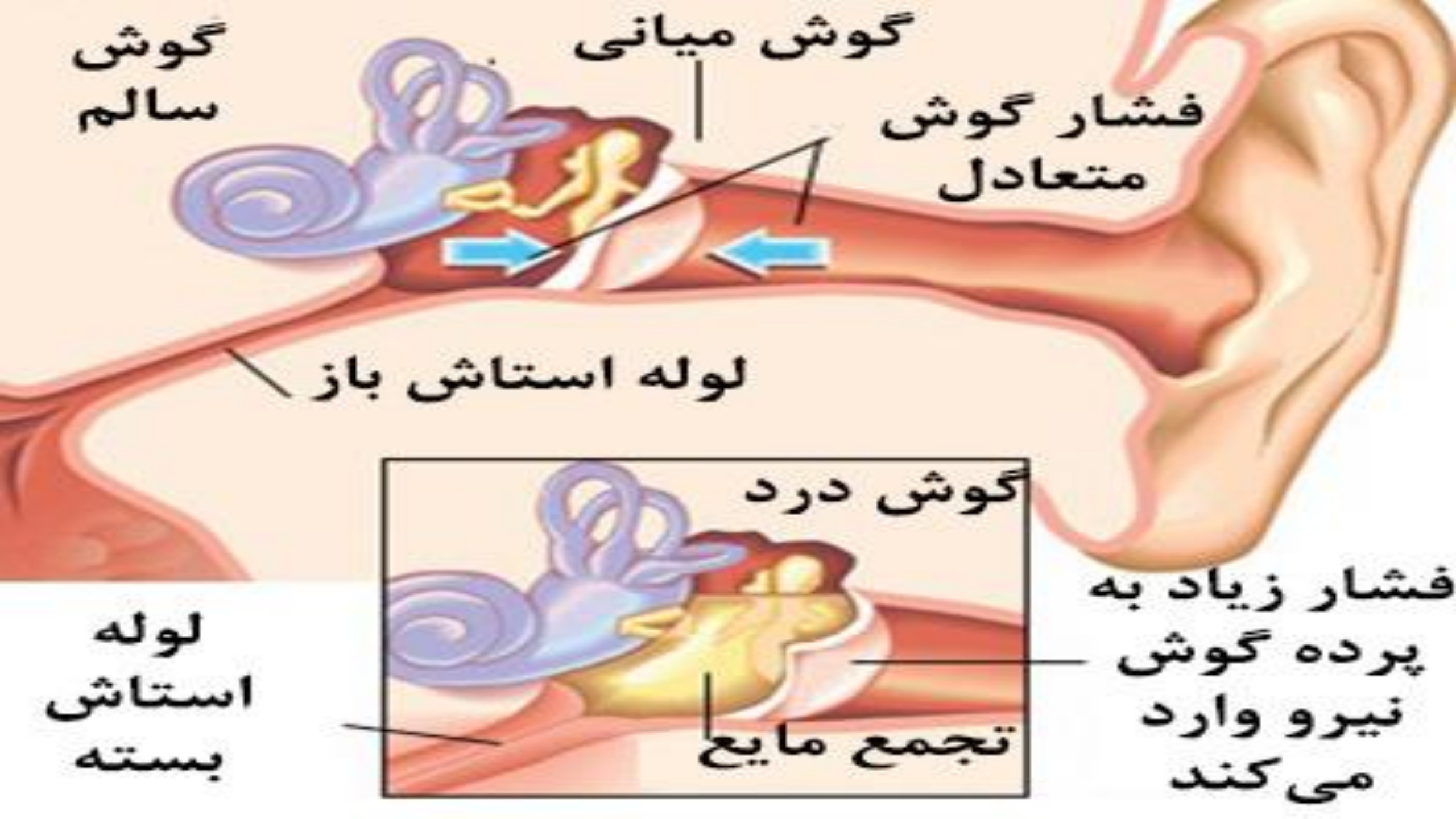
همانطور که «**انسان**»،

با «**مایع** داخلِ دو **گوشِ**» خود،

«**تعادل**» بدنش را می‌فهمد و آنرا از افتادن حفظ می‌کند،

باید به «**عقل**» خود «**اعتماد**» داشته باشد،

تا بتواند انسانیت خودش را از «**سقوط**» حفظ کند.



گوش
سالم

گوش میانی

فشار گوش
متعادل

لوله استاش باز

گوش درد

فشار زیاد به
پرده گوش
نیرو وارد
می کند

لوله
استاش
بسته

تجمع مایع

پس «مهمترین» اقدام انسان در دنیا،

حفظِ «تعاادل» بدن و «قیام» خود،

با «اعتماد» به «عقل» (یا حجت باطنی)

و «خودِ خدائی» خویش است.



» چرا فقط عقل «؟

زیرا هر انسان سالمی « **عقل** » دارد.

و **اصول** عقلی و **مبانی** منطقی،
تنها « **وجه مشترک** » تمام مردم است.

زیرا « **حکم** » عقل و منطق،
در هر شرائطی « **ثابت** » است.

و « **تشخیص** » عقل هیچ « **نقصی** » ندارد.

زیرا فقط با «**اعتماد** به **بدیهیاتِ عقل**»، «**بندگی**» رُخ می‌دهد.

حضرت امام صادق صلوات الله علیه فرمودند:

«**عقل**، چیز است که با آن رحمانیت بندگی می‌شود و جنت بدست آید»:

قُلْتُ لَهُ مَا **الْعَقْلُ**؟ قَالَ:

«**مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ** وَ **اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ**»

زیرا فقط با «**اعتماد** به **بدیهیاتِ عقلی**» می‌توان:

«**حُسن** شناس، **حُسن** گزین و **حُسن** آفرین» بود،

و «**ضرورتِ تبعیت** از احسن» را فهمید:

... **فَبَشِّرْ عِبَادِ** * **الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ**

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ **أُولُوا الْأَنْبَابِ** (زمر/۱۸)

و فقط با «**اعتماد** به **بدیهیاتِ عقلی**» می‌توان:

«**فسادشناس** و **فساد**‌گریز و **فساد**‌ستیز» بود،

و «**عملِ صالح**» انجام داد،

و عضوی از کاروان «**صالحین**» شد:

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ
مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۸۳)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ

وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (مائده/۸۴)

و چون آنچه را به این رهبر نازل شده بشنوند می‌بینی برای آن حقیقتی که شناخته‌اند اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود
می‌گویند خدایا؛ ما ایمان آوردیم پس ما را از شاهدان قرار ده * و چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده ایمان نیاوریم

و حال آنکه امید داریم که خدایمان ما را با شایستگان (فسادستیز به بهشت) درآورد.

و فقط با «**اعتماد**» به «**بدیهیاتِ عقلی**»،

می‌توان هر حَقِّی را با «**برهان**» اثبات کرد،

و بدونِ اصول و مبانی «**عقل و منطق**»،

«**تفاهم و اقناعِ جمعی**» هرگز رُخ نمی‌دهد.

پرسش ۳:



فرقِ «تعقل» با «توکل» چیست؟

« تعقل »،

« اعتماد » به « تشخیص بهترین مخلوق » است،

اما « توکل »،

« واگذاری دفاع از خود » به « خالق » است.

« توکّل »:

« تفویضِ عاقلانۀ » تمام امور خود به « وکیل »،

برای « دفاعِ همه جانبه »،

از « تمام حیثیت » و « تلاش‌های خود »،

در برابر « دشمنیِ تمام دشمنان » است.

پس « **دفاع** » از تمام حیثیت خود را

به هیچ: « **مال** » و « **علم** » و « **عقلی** ».....،

و خلاصه به هیچ: « **مخلوقی** »،

هرگز نمی‌توان واگذار کرد،

زیرا²⁸ « **غیر خالق** » توان دفاع از « **خود** » را هم ندارد.

پس فقط « **خالق** » می تواند « **وکیل مخلوق** » باشد،

زیرا فقط او همیشه « **زنده** و **شکست ناپذیر** » است:

... وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا. (نساء/۸۱)

وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ... (فرقان/۵۸)

وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (شعراء/۲۱۷)

پرستی ۴:



آیا «**اعتماد** به **عقل**»،

با «**توکل** به **عقل**»،

«**فرق**» دارد؟

آری،

در « **تعقل** » دنبال « **کشف**ِ نظرِ » خالقیم،

اما با « **توکل**ِ عاقلانه »،

« **حمایت**ِ » خالقمان را خواهیم.

پس به فرمان « **قرآن** » که می فرماید:

أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟

باید « تمام **اعتماد** » به « **رسول باطنی** »،

و « تمام **توکل** عاقلانه ام » به « **خالق** » باشد.

این « **خودباوری** » برآمده از:

« **إِعْتِمَاد** به **عقل** حقّ نما »،

انسان را از « **بِلا تکلّیفی** » می‌رهاند،

و به « **قُلّه‌های پیشرفت و کمال** » می‌رساند.



خودباوری، بزرگ‌ترین سرمایه انسان برای موفقیت است

پرسشی ۵:



« خودباوری » یعنی چه؟

« خودباوری » یعنی:

من با « **تعقل** » می توانم،

« **نظر خالق** » را در تمام امور زندگی،

به دست آورم و هیچگاه « **تنها** » نباشم.

پرسش ۶:



نشانه‌های افراد خودخواه
«تراز نشده با عقل» کدامند؟

آن‌ها معتاد به عادت‌هایند:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ **اتَّبِعُوا** مَا **أُنْزِلَ** **اللَّهُ**،
قَالُوا: **بَلْ نَتَّبِعُ** مَا **أُلْفَيْنَا** عَلَيْهِ **آبَاءَنَا**
أَوْ لَوْ كَانَ **آبَاؤُهُمْ** **لَا يَعْقلُونَ** شَيْئًا **وَلَا يَهْتَدُونَ؟**
(بقره/۱۷۰)

و چون به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید می‌گویند:
ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم.
آیا اگر پدرانشان اصلاً تعقل نمی‌کردند و راه را نیافته بودند (باز باید از آنها پیروی کرد؟)

آنها کور و کر و لال اند:

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا

كَمَثَلِ الْإِذَى يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً

صُمُّكُمْ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

(بقره/۱۷۱)

و مثال (دعوت کردن از) کافران مثل آنست که حیوانی که جز صدا نمیشنود را صدا بزنند،

آنها کردند لالند کورند زیرا تعقل نمی کنند.

آنها نماز را بازی می‌انگارند:

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ

اتَّخَذُوا هُزُوءًا وَتَعِبَاءً

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (مائده/۵۸)

و وقتی (با اذان بعضی ها را) به نماز می خوانید آنرا ریشخند می کنند
و بازی می انگارد زیرا آنها مردمی اند که « تعقل » نمی کنند.

آنرها به خدا دروغ می‌بندند:

ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بُحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ
وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (مائده/۱۰۳)

خدا (شترانی مثل:) بحیره و سائبه و وصيله و حام را (اسباب تقرّب) قرار نداده،
اما اهل کفر به خداوند دروغ می‌بندند زیرا بیشترشان تعقل نمی‌کنند.

آن‌ها خطرناک‌ترین جنبه‌اند:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ
الصُّمُّ الْبُكْمُ وَالَّذِينَ لَا
يَعْقِلُونَ

(أنفال/ ٢٢)

بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی‌اند که تعقل نمی‌کنند.

آن‌ها در اوج لجبازی‌اند:

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ
أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ؟

(يونس/ ٤٢)

و برخی از آنها افرادی اند که به تو گوش می دهند، اما:
آیا تو آنها که خود را به کری زده اند می توانی شنوا کنی؟

آنہا مجسمہٴ پلیدی اند:

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

وَيَجْعَلُ الرُّجُسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

(یونس/۱۰۰)

و هیچ فردی را نرسد که بدون إذن خدا ایمان آورد،

و (خدا) بر آنهائی که تعقل نمی کنند تمام پلیدی را قرار می دهد.

آنہا با علمشان عناد دارند:

وَلَّيْنُ سَأَلْتَهُمُ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا

لَيَقُولُنَّ: اللَّهُ

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (عنكبوت/۶۳)

و اگر از آنها بپرسی چه کسی از آسمان آب نازل کرد
و زمین را بعد از مرگش با آن زنده کرد؟ حتماً می گویند: الله
بگو: ستایش از آن خداست اما اکثر آنها تعقل نمی کنند.

آنہا بی ادب و حرمت شیکند:

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

(حجرات/۴)

آنها که تو را از پشت اتاقها صدا می زنند بیشترشان تعقل نمی کنند.

وحدتشان، تصنعی است:

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ

بِأَسْهُمٍ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ

تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ

بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (حشر/۱۴)

آنها گروهی و جز در دژهایی که مستحکم‌اند یا از پشت سنگرها با شما نمی‌جنگند، درگیری میان‌شان زیاد است آنها را با هم می‌پنداری اما دل‌هایشان متفرق است زیرا افرادی‌اند که تعقل نمی‌اندیشند.

آن‌ها برای رهبر کمرشکنند:

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرماید:

دو گروه کمر مرا شکستند: **قَطَعَ ظَهْرِي اِثْنَانِ:**

۱- دانای فاسقی که جذاب سخن می گوید اما خلاف دین عمل می کند،

۲- جاهل مذهبی نما:

عَالِمٌ فَاسِقٌ يَصُدُّ عَنْ عِلْمِهِ بِفِسْقِهِ

وَ جَاهِلٌ نَاسِكٌ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى جَهْلِهِ بِنُسْكِهِ.

(غررالحکم/۲۴۵)

و باز فرمودند: **قَطَعَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا:**

رَجُلٌ عَلِيمٌ اللِّسَانِ فَاسِقٌ (چرب زبان بی بند و بار)

وَرَجُلٌ جَاهِلٌ اَلْقَلْبِ نَاسِكٌ

هَذَا يَصُدُّ بِلِسَانِهِ عَنِ فِسْقِهِ وَ هَذَا بِنُسُكِهِ عَنِ جَهْلِهِ

فَاتَّقُوا الْفَاسِقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْجَاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ

أَوَّلُكَ فِتْنَةٌ كُلُّ مَفْتُونٍ ... (خصال / ج ۱ / ص ۶۹)

پرستی ۷:



نقشِ «عمود خیمه» چیست؟



« **عمودِ خیمه** »، « **استفاده** » از:

تمامِ « **فضا** » و « **امکانات** » خیمه را

« **ممکن** » و هویت آن را نمایان می کند،

زیرا « **خیمهٔ بی عمود** »، « **فرش** » است!

پس بدون « **عمود** » و « **پایه** »،

هیچ « **ساختمان** » و « **سازه‌ای** »،

« **استقرار**ِ پایدار و مفیدی » ندارد،

و « **قابل**ِ سکونت و **اعتماد** » هم نیست.



پرستی ۸:



« عمود دین » کدامند؟

« **عمودِ دین** »،

آن چیزی است که « **بدونِ آن** »،

« **برکاتِ دین** »،

در اختیار فرد متدین قرار نمی گیرد.

حضرت امام باقر صلوات الله عليه می فرمایند:

الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ

إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الْأَوْتَادُ وَالْأُطْنَابُ

وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدُّ وَ لَا طُنْبُ

نماز ستون نگهدارنده دین و مانند ستون خیمه است. که اگر برقرار و ثابت بنماند میخها و طنابها هم ثابت می مانند و اگر کج یا شکسته شود هیچ میخ و طنابی ثابت نمی ماند.

(وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۴، ص ۲۷)

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ،

عَلَى:

الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْحَجُّ وَالصَّوْمُ وَالْوَلَايَةُ...

(کافی ج: ۲ ص: ۱۹)

حضرت امام باقر صلوات الله علیه می فرمایند:

اسلام بر پنج چیز بنا شده: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت

پریشانی ۹:



چرا نماز «عمود دین» است؟

زیرا « آغاز بندگی و معیار بندگی » است:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ

فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا ... (کافی، ج ۳، ص ۲۶۸)

اولین پرسش از بنده در قیامت، از نماز اوست زیرا اگر نمازش قبول شود بقیه اعمال هم قبول اند.
اگر نماز، نماز باشد، از فحشاء و منکر باز می‌دارد و منضبط و منظم می‌کند،
و با تبعیت از امام فرد را به صحنه جامعه می‌آورد و از او تمدن‌ساز می‌سازد.

اگر با « نماز »، « توجّه » انسان

عقلانه به « خالقش » معطوف

و عاشق بازگشت به بارگاه الهی نشود،

حتماً به « غیر خدا » سرگرم می‌شود،

با « صد آتشِ دنیائی » قطعاً « می‌سوزد ».

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (٤٠) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (٤١)

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ (٤٢)

قَالُوا:

لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (مدثر/٤٣)

« نماز عَمُودُ الدِّینِ » است، زیرا:

اگر « آگاهانه و دائمی و با خشوع » باشد،

انسان را از « برکات دین » برخوردار می‌کند،

و گذرنامه او برای ورود به نورانیت اسلام است.

پرسش ۱۰:



چرا ولایت «عمود دین» است؟

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى: الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ

... فَقَالَ: الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ

لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ ...

(كافي ج: ٢ ص: ١٩)

حضرت امام باقر صلوات الله عليه می فرمایند: اسلام بر پنج چیز بنا شده: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

فرمود: ولایت برتر است زیرا ولایت کلید آنها و « والی » راهنمای آنهاست ...



خدایا؛

ما را به « **خودباوریِ عاقلانه** » برسان،

و از « **خودخواهیِ جاهلانه** » برهان،

تا در « زمینه‌سازیِ ظهورِ آخرین حجّت »

« سهریم » باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

